



احسان لمر

قاموس کبیر افغانستان، در شرح و تسجیل لغات، مجمع اللغات، تاریخ، جغرافیه، اقتصاد و بسی مسائل دیگر مربوط افغانستان می پردازد، همچنان رجال سیاسی و شخصیت های تاریخی، خدمت گزار افغانستان را در کتگوری مناسب خدمات آنها و تحت عنوان «رجال سیاسی و شخصیت های تاریخی و خدمت گزاران ملی» تسجیل و آنالین می سازد. پورتال افغان جرمن آنالین و قاموس کبیر افغانستان هر دو مسؤولیت خود می داند که بدون ارتباطات شخصی، تبعیضی و کینه های شخصی، شخصیت های مهم را برای مردم معرفی کند.

استاد عبدالغفور برشنا

ستاره ئی در هفت آسمان هنر.



موصوف در سال (۱۲۸۵ ش - ۱۹۰۷ م) در شهر کهنه کابل در همجواری منزل پروفیسور غلام محمد میمنه گی بدنیا آمده و در (۱۴ جدی ۱۳۵۲ - چهارم جنوری ۱۹۷۴ م) درست یک هفته بعد از اشتراک در «محل توزیع جوایز مطبوعاتی که چشم مجلسیان به سیمای ان مرد فرهنگی روشن روان روشن میشود بعمر ۶۷ سالگی چشم از جهان می پوشید»^۱

«استاد عبدالغفور برشنا فرزند سردار امیر محمد خان، امیر محمد خان فرزند محمد علی خان و محمد علی خان فرزند پیر محمد خان برادر امیر دوست محمد خان است. محمد علی خان برادر زاده امیر دوست محمد خان با فاطو جان (فاطمه جان) دختر امیر دوست محمد خان ازدواج کرده بود. فاطو جان دختر خیلی حسین و زیبا و خطاط ماهر بود، نستعلیق و شکسته را به مهارت و هنر مندی خاص می نوشت. امیر دوست محمد خان به فاطو جان علاقه خاص داشت و او را همیشه لباس بچه گانه پوشانده و با خود به دربار می آورد و به لقب آغه جان (آغا جان) صدا میزد.

از فاطو جان و محمد علی خان دو پسر بجا ماند، یکی محمد ابراهیم و دیگری امیر محمد که اخیر الذکر پدر استاد برشنا است. استاد برشنا خصوصیت هنری خود را از مادر بزرگ خود (فاطمه جان) به ارث برده است.»^۲

استاد برشنا تعلیمات ابتدائی را در مکتبی بنام (ترقی) در دوره امانیه به پایان رسانیده و سپس شامل مکتب حبیبیه وقت گردید، او کودکی بیش نبود که میل به آفرینش های هنری در او جان گرفته و مهارت ها و توانایی هایش مخصوصا در هنر نقاشی، استادانش را به حیرت و تعجب می انداخت.

«در سال ۱۹۲۱ م که هنوز ۱۴ سال از عمرش نگذشته بود، شامل اولین گروپ شاگردان جوان به هدایت و رهنمائی پادشاه معارف پرور کشور اعلیحضرت غازی شاه امان الله جهت تحصیل به کشور آلمان اعزام گردید. او در برلین، الیپزیک، بارمن و مونشن هنر رسامی، لیتوگرافی و فن جدید مطبعه و چاپ را فرا گرفت و یکی از شاگردان ممتاز «ماکس لیبرمن» بود.

^۱ - سلیمان امیر ۲۰۲۰/۱۱/۲۳ فیس بوک

^۲ - <https://www.kabulnath.de/Sale-e-lejazdaoum/Shoumare-> /bakhtaryaani.html۲۴



این تابلو هم از نقاشی های استاد برشنا می باشد

او در ۲۱ سالگی با خانمی بنام «مارگریتا نویفیند» آشنا شد و با او ازدواج کرد. خانم آلمانی تبار هنوز نو عروس بود که کشورش را ترک کرد و بمعیت شوهر رخت سفر بر بست و هر دو در سال (۱۹۲۹ م) روانه افغانستان شدند.^۳ او در برلین، لایپزیگ، بارمن و مونشن هنر رسامی، لیتو گرافی و فن جدید مطبعه و چاپ را آموخت و شاگرد «ماکس لیبرمان»^۴ بود.

محترم خلمی رزمی در مقاله شان در مورد در ارتباط با مصاحبه استاد برشنا نوشته بود که: در آغاز دوره نادر خان که می خواستند غرض تحصیلات عالی در رشته طب به آلمان فرستاده شود، اما او که این رشته را مطابق ذوق خود نمیدید، از دولت وقت تقاضا کرد تا زمینه تحصیل را در رشته هنر نقاشی برایش مساعد سازند، و خودش در یکی از مصاحبه های رادیویی اش با زنده یاد داود فارانی گفته بود: «من قبل از سفر به آلمان سر مفتشین صدراعظم هاشم خان گفتم که ممکن است یک داکتر شوم، اما یک داکتر بد، اما ممکن است یک نقاش خوب شوم. آنها در جوابم گفتند که: امروز در افغانستان نقاشی به کدام درد ما می خورد؟»

در موسیقی هم برادر من به پیش (استاد نوروز) برادر (استاد قربان علی) شاگرد بود، و من در گوشه ای می نشستم و گوش می کردم یک روز از من (استاد نوروز) پرسید که : توهم شوق داری ؟

^۳ - دکتر عبد الله کاظم - یک صد و ششمین سالگرد تولد استاد عبدالغفور برشنا - ۲۰۱۳/۰۴/۱۵ سایت افغان جرمن
^۴ - ماکس لیبرمان (Max Liebermann) (۲۰ جولای ۱۸۴۷ - ۸ فیبروری ۱۹۳۵) نقاش و گراور ساز آلمانی- و از رهبران طرفداران امپرسیونیسم در آلمان بود. او بیشتر به خاطر کارهای چاپ تیزابی و لیتوگرافی شهرت دارد.

من گفتم: بلی، همان چیز هائی که شما درس دادید، من هم همان ها را یاد دارم. و سپس آن را خواندم و استاد نوروز آن را خوش کرد و از آن تعریف کرد»^۵

استاد کارش را در سال (۱۳۰۸ - ۱۹۳۰) بحیث معلم و مدیر مکتب صنایع نفیسه آغاز نموده و در پهلوی وظایف دولتی با علاقمندی تمام اساسات موسیقی را نزد استاد نوروز، استاد غلام حسین و استاد قاسم فرا گرفته و نیز مهارت نقاشی را از پروفیسور غلام محمد میمنه گی بهره مند گردیده.

در طی جنگ جهانی دوم اتباع المانی مجبوراً کابل را ترک نمودند و تقریباً دروس المانی مکتب امانی (نجات آن وقت) به رکود مواجه گردد استاد برشنا در تدریس مضمون المانی و سایر مضامین در آن مکتب با جلب همکاری دوستانش با اهتمام دلسوزانه و افتخاری مکتب را از سقوط کامل نجات میدهد. در این زمان خانم مارگریتا برشنا که در مکتب مستورات بحیث معلمه تدریس می نمود با همکاری همسرش کتاب آموزش زبان المانی برای اطفال را نوشت. استاد بین سالهای (۱۳۲۶ - ۱۳۲۸ ش) (۱۹۴۸ - ۱۹۵۰ م) بحیث مدیر این لیسه ایفای وظیفه نمود.

استاد در سالهای (۱۹۳۹ - ۱۹۴۲ م) بحیث مدیر مطبعه دولتی افغانستان مسئولیت طبع و نشر روزنامه ها، مجلات و سالنامه ها را بعهده داشت. در این دوره چاپ رنگه وارد کشور گردید.

با آغاز کار مجدد رادیو کابل در سال (۱۳۲۰ ش - ۱۹۴۲ م) با سرور گویا اعتمادی اولین نطق و مدیر اداره رادیو کابل آن وقت در کوتی لندن واقع پل هارتن کابل بطور فعال همکاری می نمود. استاد برشنا با قرار گرفتن در سمت مدیریت نشریات رادیو کابل با زحمت فراوان برای اولین بار موفق گردید پای خانم های هنر مند را به رادیو وقت بکشاند چنانچه قبلاً نوشتیم: «از طریق یک دوستش که شوهر خاله خدیجه جان ضیائی (خانم پروین) بود از چگونگی استعداد و آواز شیوای وی با خبر میشود. استاد به همراهی دوستش ترتیبی می گیرد تا در آن عصر پرده نشینی و چادری و دلاق و جامعه نهایت بسته به خانه خانم «بی بی کو» مادر خانم پروین رفته آواز شگرف دخترش را به آزمون بگیرد، وی در یک روز در بهار سال (۱۳۲۹ ش - ۱۹۵۱ م) به همراهی استاد عبدالرشید لطیفی و لوازم ثبت صوت و تعدادی نوآرندگان به منزل شان رفته از پشت پرده روی گیری این آواز پر آوازه را ثبت کنند که

سلسله موی دوست حلقه دام بلا است هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجرا است

تا آنکه در سال بعد استاد برشنا که در رادیو کابل سمت و مقامی داشت «خانم پروین» را به اجازه مادرش با چادری به رادیو کابل وقت برده و یک غزل استاد ابراهیم خلیل و کمپوز از استاد غلام حسین را ثبت نمودند.

گل فروشم ز من گلی بخرید یک دو سه دانه سنبلی بخرید»^۶

همچنان بعد از خانم «کوثر نورانی» که اعلانات را می خواند، اولین خانم که اخبار شب را قرائت کرد «آمنه جان ملک زاده» دومین «رقیه ابوبکر حبیب» و سومین «لطیفه کبیر سراج» که در زمان تصدی ایشان و پوهاند استاد عبدالاحمد جاوید به رادیو راه یافتند.

در عین حال استاد برشنا بکار سناریو نویسی درامه ها انهماک داشته و در همان سال (۱۳۲۹ ش) درامه مشهور لالا ملنگ را به همکاری عبدالرحمن بیبا، محمد عثمان صدقی، رشید لطیفی، مهدی ظفر و دیگران در سالون سینما تیاتر (پوهنی ننداری) در جوار چمن فوتبال لیسه استقلال به نمایش می گذارند. سالهای بعد از آن نمایش رجال سر شناس کشور درامه لالا ملنگ را منحصراً اولین اقدام مهم در معرفی هنر تیاتر و تمثیل از نگاه طنزی و کمیدی تمجید نموده و

^۵ - خلّی رزمی - استاد عبدالغفور برشنا گران مایه ای با هنر های گوناگون - کابل ناته- سال سوم شماره ۵۹ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی.

^۶ - از این قلم - خدیجه ضیائی «خانم پروین» مورخ ۲۰۱۸/۰۸/۱۲

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/lemar_e_khanem_parwen.pdf

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

ان نمایش را در سطح منطقه بی مانند توجیه می نمودند . بین (۱۹۴۰ - ۱۹۵۳) بیشتر از ۲۰ درامه را برای رادیو کابل و تیاتر ها نوشت که خود شان هم کار گردان و هم تصاویر روی صحنه را نقاشی می نمود.

بهمن صورت استاد برشنا در کمپوز پارچه های موسیقی از خود یک نبوغ خارق العاده نشان داده چنانچه یکی از کمپوز های وی را (vocalist) آواز خوان پر آوازه هند استاد (منادی) در آهنگ: (اومیری زهره جبین) به خوانش می گیرد که افتخار ان متوجه استاد برشنا می باشد

کمپوز آهنگ:

ای نگار من، ای نگار من یک دمی بیا در کنار من

پیش از آنکه من از جهان روم، سبزه سر زند از مزار من

به آواز جلیل احمد خلاند و همچنان شعر همیشه جاویدان استاد ابراهیم صفا را کمپوز نمود که بار نخست استاد عبدالوهاب مددی سپس هنرمندان دیگری کشور و هم همسایه گان (تاجکستان و ایران) به خوانش گرفتند

من لاله ی آزادم خود رویم وخود بویم

در دشت مکان دارم هم فطرت آهویم

استاد در نوشتن سناریو و درامه ها نیز ید طولا داشته و نیز مقالات و ترجمه های وی بطور مرتب در ماهنامه انجمن تاریخ، هفته نامه ژوندون - روزنامه انیس و سایر نشریات کشور اشاعه می گردید. (سفارت روسیه تزاری به دربار امیر شیر علی خان - نوشته (ج. ل. یاورسکی) «خاطرات طبیب سفیر روس در دربار امیر شیر علی خان به ترجمه استاد برشنا نه تنها که خاطرات گفته میشود بلکه یک معرفی نامه ای از بالاحصار و دربار امیر شیر علی خان و سفر کاری ولی تراژیک او به مزارشریف و روی کار آمدن امیر یعقوب در کابل و حوادث و واقعات نیمه دوم قرن نهم کشور را بیان و گزارش میدهد. مهم تر آنکه کتاب مذکور که یک تاریخ ناول گونه (بشیوه آثار الکساندر دوما) تحریر شده به حدی دلچسپ بنگارش آمده و به بیان ملیحی ترجمه شده است که خواننده را مجذوب و مسحور می سازد».^۷

«(تونل)، (لالا ملنگ) و (مریض عشق) از نمایش نامه های پر سرو صدای اوست. استاد برشنا در کنار این همه فعالیت های ثمر بخش در سرودن شعر و داستان نویسی نیز دست توانایی داشت مجموعه اشعار و داستان ها، قصه ها و افسانه هایش (کاکه اورنگ و کاکه بدرو)، (قفل دل) (نیکو و بدی) (لیان دختری پادشاه باختر) (باد آورده را باد می برد) (یک فامیل کوچی) و غیره سالها قبل به چاپ رسیده است.

گفته میشود که او زمانی بفلم سازی نیز روی آورده بود و فلم برداری فلم هنری را در اتحاد شوروی رهبری میکرد».^۸

در اواخر عمر پر افتخار و پر بارش استاد عبدالغفور برشنا به مرض شکر مصاب بود که در اثر همان تکلیف داعی اجل را لبیک گفته و در مزارستان شهدای صالحین کابل طی مراسم رسمی به اشتراک عبدالرحیم نوین وزیر اطلاعات و کلتور و نعمت الله پژواک وزیر داخله ان وقت و پسر جوانش عبدالله برشنا و تعداد کثیری از اهالی کابل منجمله شاگردان استاد و هنرمندان و هنر دوستان بخاک سپرده میشود.

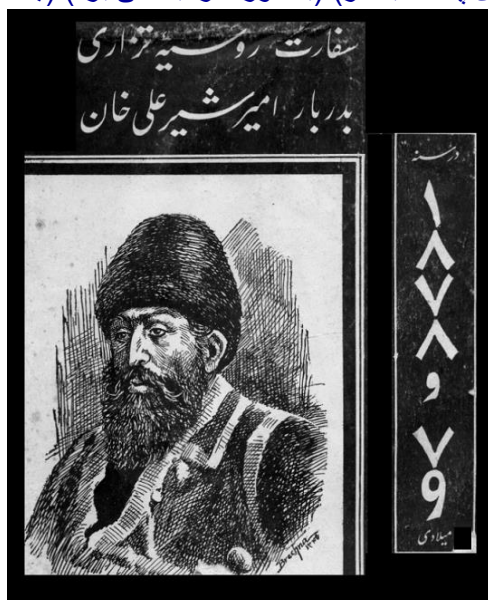
۷ - سلیمان امیر

۸ - خلمی رزمی

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۴ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ



از خصایل قابل یاد اوری استاد برشنا به تائید یاد داشت های رجالی چون استاد "آصف آهنگ" و دیگران آن است که نام برده علی رغم مقام شامخی که در رشته های متنوعه هنر داشته و با داشتن مناصب مهم دولتی و منسوب بودنش به یکی از فامیل های سر شناس و ارسطوکرات کشور در یکی از کوچه های شهر کهنه کابل زندگی داشته و در لباس و طعام و سایر امور زندگی همانند توده ها و عوام الناس رفتار نموده و با همه دوکانداران محل سکونت خویش با انواع مطایبه ها و مذاق های باب روز عادت داشته چنانچه مذاق های نامیره



با «کاکه حیات» میوه فروش آن گذر تا سالها زبان زد کابلی ها بوده است.

«نشان یا سمبول آریانا افغان هوایی شرکت که از سه حرف انگلیسی A ترکیب شده مخفف آریانا افغان ایرلاینز Ariana Afghan Airlines است. این طرح شبیه یک طیاره است و هم شکل سر تیر را دارد که بیانگر سرعت آنست، هم پرستو که پیک بهار و پرنده ی مهاجر است. این سمبول با رنگ آبی (لاجوردی) که نماد از صمیمیت و آرامش روان است ترسیم شده است.»^۹



^۹ - همایون باختریان کابل ناته شماره ۲۴۵ سال یازدهم اول اگست ۲۰۱۵

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ



Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شميره: له ٦ تر ٧
افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خير و لولئ



استاد بحیث کارتون‌نویست مبتکر و برازنده هم در اجتماع شناخته شده بودند. از زبان کارتون «رجب خان» سیاست روز و مشکلات اجتماعی را نقد می‌کردند. ایشان در (۱۳۵۰ ش - ۱۹۷۲م) از سمت های رسمی متقاعد شده ولی بحیث مشاور فرهنگی خدمات شان را دوام دادند.

قابل یاد آوری است که فامیل استاد آثار و تابلو های نقاشی شارا در کشور های سوئیس و المان به نمایش گذاشتند که مورد استقبال فوق العاده قرار گرفت و از فوتو تابلو های شان جنتری شمسی ترتیب نمودند که هموطنان علاقه فراوان به آن ابراز نمودند.

هر «ملت قدردان، مردان بزرگش را تکریم می کند»

Fehler! Unbekannter Name für Dokument-Eigenschaft.

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ